

## تقابل علی (ع) و معاویه در روایت‌های عثمانیه و ابن تیمیه:

### مطالعه‌ای مقایسه‌ای<sup>۱</sup>

سیدعلی خیرخواه علوی<sup>۲</sup>

دانش‌آموخته دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی، تهران، ایران

نعمت‌الله صفری فروشانی

استاد گروه تاریخ اهل بیت (ع) مجتمع آموزش عالی تاریخ، سیره و تمدن اسلامی وابسته به جامعه

المصطفی العالمیه، قم، ایران

عبدالله فرهی

استادیار گروه تاریخ اسلام، دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی، تهران، ایران

عثمان یوسفی

استادیار گروه تاریخ اسلام، دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی، تهران، ایران

### چکیده

ظهور اندیشه عثمانیه و نفوذ و گسترش آن در همه دانش‌های اسلامی از جمله تاریخ به شکل‌گیری مکتب تاریخ‌نگاری عثمانیه انجامید. ابن تیمیه عالم سنی سده هفتمی یکی از متأثران از اندیشه و مکتب عثمانیه بود که البته درباره شماری از رویدادهای تاریخ صدر اسلام صاحب دیدگاه‌های خاص خود است. این مقاله که با روش مقایسه‌ای نگاشته شده، به دنبال آن است که با استقصای موارد تمایز و تشابه میان تاریخ‌نگاری عثمانیه و ابن تیمیه در موضوع تقابل علی (ع) و معاویه، به شناخت عمیق‌تر از گرایش‌های آنان دست یابد. نتایج حاصل از این مقایسه، نشان داد که مورخان متمایل به مکتب عثمانیه کوشیدند تا با تحریف در برخی از گزارش‌ها، تصویری غیرواقعی از تقابل علی (ع) و معاویه برای مخاطبان خویش ارائه دهند؛ ابن تیمیه نیز در موارد زیادی در مواجهه با گزارش‌های تاریخی همسو با این مورخان است. با این همه در برخی موارد همچون نقش علی (ع) در فتنه عثمان، رویکردی متعارض با مبانی تاریخی مورخان عثمانیه اتخاذ کرد.

**کلیدواژه‌ها:** عثمانیه، مکتب تاریخ‌نگاری عثمانیه، علی (ع) و معاویه، ابن تیمیه.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۳/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۶/۱۵

۲. رایانامه (مسئول مکاتبات): [alavitkd@gmail.com](mailto:alavitkd@gmail.com)

### مقدمه

با آغاز خلافت علی (ع) در ۳۵هـ، مخالفان سیاسی وی به بهانه کشته شدن عثمان بن عفان خلیفه سوم و ادعای مظلومیت وی (ناشی اکبر، ۱۹۷۱: ۱۶؛ طبری، ۱۴۰۳: ۴/۴۵۹ و ۱۲۵/۵) و نقش علی (ع) در قتل عثمان (بلاذری، ۱۴۱۷: ۵/۱۱۳)، حکومت آن حضرت را نامشروع دانسته، با وی بیعت نکردند. پیروان این حرکت سیاسی به «شیعه عثمان» و سپس «عثمانیه» شهرت یافتند (طبری، ۱۴۰۳: ۴/۴۲۹-۴۳۰). در چنین شرایطی معاویه بن ابی-سفیان کارگزار حکومت عثمان در شام با بهره‌گیری از فضای به وجود آمده، به حمایت و تحریک عثمانیان از جمله در نبرد جمل (۳۶هـ) دست زد و خود نیز در قالب نبرد صفین (۳۷هـ) به تقابل مستقیم با علی (ع) پرداخت.

با آغاز خلافت معاویه در سال ۴۱هـ سیاست‌های حمایت‌گرایانه وی و جانسپینانش از عثمانیه، به گسترش فزاینده اندیشه عثمانیه به‌ویژه در شام، حجاز و عراق انجامید. این تفکر در سده‌های نخستین با پرورش عالمانی به‌ویژه در حدیث (اهل حدیث عثمانی) و تاریخ توسعه یافت و این درحالی بود که حدیث و تاریخ متأثر از قانون ممنوعیت نگارش حدیث، تا پایان سده اول بیشتر بر روایات شفاهی استوار بود. همین امر سبب گردید تا حاکمان اموی با بهره‌گیری از حربه جعل و تحریف، زمینه دستیابی به اهداف حکومتی خویش و نیز گسترش عثمانیه را فراهم نمایند (نک. طبری، ۱۴۰۳: ۵/۱۸۹؛ ابن عماد، ۱۴۰۶: ۱/۲۲۱؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵: ۲۲/۱۵) و این‌گونه اندیشه عثمانیه در حوزه تاریخ و تاریخ‌نگاری تأثیر بسیاری گذاشت. رویکرد خاص تاریخ‌نگاران عثمانی در نقل حوادث تاریخی سده‌های اولیه اسلامی سرانجام به شکل‌گیری «مکتب تاریخ‌نگاری عثمانیه» (خیرخواه علوی، ۱۴۰۱: ۹۴-۹۵) انجامید. ضدیت و تقابل با علی (ع) در قالب‌هایی چون خودداری از نقل فضائل ایشان (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۱۱/۴۴) و نیز جعل حدیث در مذمت و سرزنش آن حضرت (ذهبی، ۱۴۰۵: ۵/۱۷۷، ۶/۲۶۱، ۷/۱۶۶) در کنار فضیلت‌سازی برای عثمان (صنعانی، ۱۴۰۳: ۳/۳۴۳)، معاویه و بنی‌امیه (ابن جوزی، ۱۹۶۶: ۲/۱۵-۱۷، ۲۳) را باید از مهم‌ترین

شاخصه‌های این مکتب دانست (نک. خیرخواه علوی، ۱۴۰۱: ۹۵-۱۰۰).  
در حالی که اندیشه عثمانیه در سده سوم با غلبه نظریه تربیع احمد بن حنبل به حاشیه رفته بود، سده هفتم شاهد ظهور دانشور نامدار سنی، ابن تیمیه (د. ۷۲۸هـ) بود که از سویی اندیشه‌هایش با آراء غالب علمای اهل سنت آن روزگار تفاوت داشت، و از سوی دیگر با آراء عالمان عثمانی سده‌های نخستین نزدیکی و قرابت بسیاری داشت. آراء ابن تیمیه درباره مسائل و رویدادهای تاریخی صدر اسلام مانند موضوع نزاع علی (ع) و معاویه شایسته توجه است؛ اگر چه ابن تیمیه برخلاف عثمانیه به خلافت امیرالمؤمنین باور داشت و منکران خلافت آن حضرت را سرزنش می‌کرد (ابن تیمیه، ۱۴۲۲: ۷۳/۳۵؛ ابن تیمیه، ۱۴۲۰: ۱۱۸؛ ابن تیمیه، ۱۴۱۶: ۱۵۳/۳، ۴۷۹/۴). این مقاله در پی بررسی این سؤال است که میان رویکرد تاریخ-نگاران عثمانیه و ابن تیمیه در مواجهه با گزارش‌های تقابل دو شخصیت مطرح صدر اسلام یعنی علی (ع) و معاویه، چه شباهت‌ها و چه افتراقاتی وجود دارد؟

### پیشینه پژوهش

چند پژوهش درباره تاریخ‌نگاری عثمانیه صورت گرفته است: پایان‌نامه کارشناسی ارشد سیدعلی خیرخواه علوی با عنوان «مقایسه تاریخ‌نگاری عثمانی و شیعی در حوادث دوران حکومت امام علی (ع)» با راهنمایی دکتر نعمت‌الله صفری فروشانی، دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم، ۱۳۸۹؛ نگارنده در این نوشتار ضمن بررسی زمینه‌های شکل‌گیری شیعه و عثمانیه پس از معرفی تفصیلی تاریخ‌نگاران این دو گروه، به مقایسه گزارش‌های آنان در محدوده حوادث دوران حکومت امام علی (ع) پرداخته است. مقاله «علی (ع) و خلافت وی از نگاه مورخان مکتب تاریخ‌نگاری عثمانیه» نوشته سیدعلی خیرخواه علوی (پژوهش‌نامه تاریخ تشیع، ش ۲، ۱۳۹۹)، در این مقاله از میان شاخصه‌های تفکر عثمانی به شاخصه تقابل و ضدیت پیروان این تفکر با علی (ع) به دلیل تأثیرگذاری در تاریخ‌نگاری این مکتب توجه گردیده و بر این اساس جایگاه علی (ع) و حکومت وی در نگاه تاریخ‌نگاران مکتب عثمانیه، مسأله اصلی این

پژوهش قرار گرفته است. گزارش های متناقض مورخان عثمانی در حوادث بیعت مسلمانان در مدینه با علی (ع) و نیز نقش سبائیه در شعله ور کردن آتش جنگ ها از جمله گزارش های مورد توجه در این مقاله می باشد.

در مقایسه و بررسی گزارش های تاریخی عثمانیه و ابن تیمیه نیز پژوهش هایی انجام شده است: کتاب مناسبات فکری عثمانیه و ابن تیمیه در مواجهه با فضائل اهل بیت (ع) (۱۳۹۸)، محمد محسن مروجی طبسی از مطالعاتی است که در این حوزه انجام شده است. مؤلف در نقد دیدگاه های ابن تیمیه، به عثمانیه و برخی از گزارش های مشترک میان تاریخ نگاران عثمانی و ابن تیمیه توجه کرده است، اما از آن جا که طبسی در این اثر بیش از هر مسأله ای در صدد تبیین دیدگاه های ابن تیمیه است، طبیعتاً توجه بیشتر خود را به آراء و نظرات ابن تیمیه معطوف داشته و از بررسی همه جانبه گزارش های تاریخی عثمانیان و معرفی مکتب تاریخ نگاری آنان غفلت ورزیده، ضمن آن که به افتراقات رویکرد عثمانیه و ابن تیمیه کم توجهی کرده است. رساله دکتری سیدعلی خیرخواه علوی با عنوان «بررسی تطبیقی رویکرد عثمانیه و ابن تیمیه در نقل گزارش های تاریخی حوادث صدر اسلام» با راهنمایی دکتر نعمت الله صفری فروشانی، دانشگاه بین المللی مذاهب اسلامی، ۱۴۰۱؛ اثر پژوهشی است که در مقایسه بین این دو رویکرد نگاشته شده است، در این رساله تلاش شده تا ضمن بیان سیر تطور عثمانیه و ظهور مکتب تاریخ نگاری آنان و نیز حیات ابن تیمیه و نقش عوامل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تأثیرگذار بر آراء و نظرهای وی، نوع نگاه تاریخی ابن تیمیه در مقایسه با رویکرد تاریخ نگاران عثمانی مورد بررسی قرار گیرد و به افتراقات و اشتراکات این دو رویکرد به دور از تعصبات مذهبی و در دایره انصاف توجه گردد.

درباره ابن تیمیه نیز آثاری متعدد از سوی سنیان و شیعیان نگاشته شده و آراء و نظرات وی نقد شده است؛ از جمله: نخست کتاب شیخ الاسلام ابن تیمیه لیس ناصبیا نوشته سلیمان بن صالح الخراشی است؛ در این کتاب نویسنده وهابی با هدف نفی اتهام نصب از ابن تیمیه به نقد دیدگاه های مخالفان منهاج السنه النبویه پرداخته است. دوم کتاب ثناء ابن تیمیه علی

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و اهل البیت نوشته عثمان الخمیس (قُضیبی)، که در آن نویسنده به استناد سخنان ابن تیمیه وی را از اتهام نصب مبرا دانسته و او را دوستدار امام و اهل بیت (ع) دانسته است. سوم کتاب المقالات السنیة فی کشف ضلالات احمد بن تیمیه اثر عبدالله بن محمد هرّری حبشی فقیه شافعی لبنان، از جمله آثاری است که نویسنده در آن درصدد نقد ابن تیمیه و ردّ افکار و آراء وی برآمده است. هرّری در مقاله سیزدهم و چهاردهم از جلد اول این کتاب مواضع ابن تیمیه علیه علی (ع) و نیز دیدگاه‌های وی در تأیید معاویه و بنی امیه را روشن‌ترین مصداق نصب و ناصبی دانسته است. چهارم کتاب دراسات فی منهج السنه لمعرفة ابن تیمیه اثر سیدعلی حسینی میلانی متکلم و فقیه معاصر امامیه است. این کتاب از مهم‌ترین ردیه‌ها بر منهج است و در ده باب به ردّ دیدگاه‌های ابن تیمیه پرداخته شده است. پنجم کتاب ابن تیمیه فِکراً و منهجاً نگاشته جعفر سبحانی فقیه و متکلم شیعی معاصر است. نویسنده در فصل سوم و چهارم به دیدگاه‌های وی درباره علی (ع) و سایر امامان پرداخته و سپس با استناد به منابع حدیثی و تاریخی آن را به نقد کشیده است. ششم کتاب ابن تیمیه حیات و عقانده صائب عبدالحمید است که در آن دیدگاه‌های ابن تیمیه را نسبت به علی (ع) و خلافت به نقد کشیده است. هفتم کتاب ابن تیمیه امام سلفی‌ها اثر قاسم‌اف پژوهشگر تاجیکستانی، وی در فصل اول کتاب خویش به نقد دیدگاه‌های ابن تیمیه در خصوص امام علی (ع) بر اساس منهج می‌پردازد و به احادیث تاریخی همچون حدیث طبر، غدیر، یوم الدار، منزلت و سدّ الأبواب اشاره می‌کند. در پایان باید به مقاله «ابن تیمیه و خلافت حضرت علی (ع)» نوشته حسین رجبی و پیام عبدالملکی (مجله کلام اسلامی، ش ۸۷، ۱۳۹۲) اشاره کرد. در این مقاله با بهره‌گیری از منابع حدیثی و تاریخی دیدگاه ابن تیمیه نسبت به خلافت علی (ع) مورد نقد و بررسی قرار گرفته و از ناهماهنگی و بهم‌ریختگی سخنان ابن تیمیه در این باره سخن رانده شده است.

### رویکرد عثمانیه به تقابل علی (ع) و معاویه

در بررسی نوع نگاه تاریخ نگاران عثمانی به حوادث تاریخی مربوط به تقابل علی (ع) و معاویه در دوران حکومت علی (ع)، توجه به سیاست‌ها و اقدامات معاویه و دیگر حاکمان اموی از اهمیت بسزایی برخوردار است، معاویه از سویی علی (ع) را به دست داشتن در قتل عثمان متهم می‌کرد (بلاذری، ۱۴۱۷: ۱۱۳/۵) و از سوی دیگر با صدور فرمان‌هایی تلاش داشت تا از نقل روایات فضائل آن حضرت جلوگیری (طبری، ۱۴۰۳: ۱۸۹/۵) و با جعل و ترویج روایاتی در سرزنش ایشان، شرایط را برای توهین و در ادامه سب و لعن ایشان فراهم نماید (بلاذری، ۱۴۱۷: ۲۳/۵؛ طبری، ۱۴۰۳: ۲۵۳/۵). این سیاست معاویه پس از وی توسط دیگر حاکمان اموی دنبال گردید (ابن عماد، ۱۴۰۶: ۲۲۱/۱) تا بدانجا که سب ایشان در میان امویان امری عادی و متداول گردید (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۹۶/۵۰) و به مرور بر منابر غرب و شرق جهان اسلام رواج یافت (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۱۹۱/۳) و تا حکومت عمر بن عبدالعزیز (حک: ۹۹-۱۰۱ هـ) بدون هیچ اغماضی اجرا شد (ابن سعد، ۱۹۶۸: ۳۹۳/۵؛ ذهبی، ۱۴۰۵: ۱۴۷/۵).

بر این اساس تاریخ نگاران و محدثان عثمانیه نیز همسو با سیاست‌های امویان در مواجهه با آن دسته از اخبار، گزارش‌ها و احادیثی که بیانگر نقش تأثیرگذار مخالفان خویش از جمله علی (ع) بود، به انکار و ردّ و یا تنقیص آن پرداخته و یا آن‌که حداقل از ذکر آن در آثار خود دوری جسته‌اند. اینان به‌ویژه در سده اول در تلاش بودند تا ضمن انکار این فضائل، با جعل احادیثی از پیامبر (ص) همان فضائل را برای دیگر صحابه اثبات نمایند و در این راه گاه روایاتی در سرزنش آن حضرت جعل نمایند (صنعانی، ۱۴۰۳: ۳۴۲/۵، ح ۹۷۲۲؛ ابن حجر، ۲۰۰۲: ۳۲۰/۲، ش ۱۵۲۰). بسیاری از منابع اهل سنت در معرفی افراد به عنوان عثمانیه، به بغض آنان نسبت به علی (ع)، عدم نقل روایات آن حضرت<sup>۳</sup> و نیز مذمت ایشان (ذهبی، ۱۴۰۵: ۱۸۰/۵، ۲۶۱/۶، ۱۶۶/۷) اشاره کرده‌اند، به کار بردن عباراتی همچون «یحمل علی علی» در

۳. ابن سعد در مورد شریح قاضی به این ویژگی اشاره دارد (ابن سعد، ۱۹۶۸: ۱۳۱/۶، ۴۱۸).

مورد برخی از مورخان و محدثان سده‌های اولیه (عجلی، ۱۴۰۵: ۲/۲۹۳ ذیل مغیره بن مقسم و ۳۷ ذیل عبدالله بن شقیق عقیلی و ۳۰ ذیل ابوقلابه عبدالله بن زید؛ ذهبی، ۱۴۰۵: ۵/۱۷۷، ذیل قیس بن ابی حازم و ۲۶۱/۶، ذیل مغیره بن مقسم کوفی و ۱۶۶/۷، ذیل عبدالله بن زید) بیانگر همین ویژگی عثمانیان است. تاریخ‌نگاران عثمانی به سبب دشمنی با علی (ع) و تمایلات سیاسی نسبت به معاویه، در گزارش‌های خود از حوادث دوران حکومت آن حضرت و تصویر تقابل میان ایشان و معاویه نیز برخی گزارش‌ها را با دروغ و جعل می‌آمیختند. اینان در این زمینه در دو محور سیاست تقابل خود با آن حضرت را دنبال کردند:

۱. جعل روایاتی با هدف انکار مشروعیت خلافت علی (ع) و تنقیص حکومت وی

تاریخ‌نگاران و اهل حدیث عثمانیه همسو با سیاست‌های معاویه و حاکمان اموی، که به بهانه خونخواهی عثمان حکومت علی (ع) را نامشروع می‌دانستند، در تلاش برآمدند تا با ساخت روایاتی همچون روایت تثلیث، حکومت ایشان را زیر سؤال برند. در این روایت که از زبان عبدالله بن عمر و با عبارات متنوعی نقل گردیده، در توصیف مرتبه اصحاب پیامبر (ص) از سه خلیفه نخست به عنوان برترین صحابه یاد شده که در عصر نبوی کسی را یارای رقابت با آنان نبود و بعد از این سه تن، باقی صحابه در یک سطح قرار داشته و بر یکدیگر برتری نداشتند. حضور عثمانیانی چون عبیدالله بن عبدالله بن عتبه (بخاری، ۱۴۲۲: ۵/۱۴، ح ۳۶۹۷؛ ابوداود، ۱۴۱۹: ۷/۳۰، ح ۴۶۲۷)، یحیی بن سعید بن قیس (بخاری، ۱۴۲۲: ۵/۴، ح ۳۶۵۵؛ ابن ابی عاصم، ۱۴۰۰: ۲/۵۶۷، ح ۱۱۹۲)، زهری (ابوداود، ۱۴۱۹: ۷/۳۱، ح ۴۶۲۸؛ ابن ابی عاصم، ۱۴۰۰: ۲/۵۶۷، ح ۱۱۹۱) در سلسله سند این روایات در خور توجه است. ابن عبدالبر این سخن ابن عمر را صحیح نمی‌داند و مدعی است که کسانی همچون یحیی بن معین نیز آن را نپذیرفته‌اند (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۳/۱۱۱۶). در روایتی دیگر ابن شهاب زُهری از تسبیح سنگ‌ریزه‌ها در دستان رسول خدا و سه خلیفه نخست یاد کرده است (دارقطنی، بی تا: ۲/۴۲۶؛ ابن کثیر، ۱۹۸۸: ۶/۳۰۶).

این شیوه برخورد عثمانیان حتی در برخی از احادیثی که در ظاهر بی ارتباط با خلافت بود، نیز دیده می شود، روایت انس بن مالک به نقل از پیامبر (ص)، نمونه ای از این دست روایات است. در این روایت آن حضرت ویژگی های اخلاقی برخی از برترین صحابه خود را توصیف می کند اما از علی (ع) در میان این صحابه نامی نمی برد: «رحیم ترین فرد امت ابوبکر، شدیدترین فرد در امر خدا عمر، با حیاترین فرد عثمان، عالم ترین صحابی معاذ، قاضی ترین زید بن ثابت، قاری ترین صحابی ابی بن کعب و امین این امت ابو عبیده جراح است» (ترمذی، ۱۳۹۵: ۶۶۴/۵، ح ۳۷۹۰؛ احمد بن حنبل، ۱۴۲۱: ۴۰۶/۲۱، ح ۱۲۹۰۳).

## ۲. جعل گزارش هایی در خصوص جنگ های دوران حکومت علی (ع)

از حوادث مهم دوران حکومت امام علی (ع) که همواره مورد توجه مورخان مسلمان بوده، جنگ های ایشان در برابر مخالفان داخلی می باشد. جنگ جمل در برابر سپاه مکه که از حمایت معاویه و همراهی برخی از کارگزاران اموی حکومت عثمان بن عفان برخوردار بودند و نیز جنگ صفین در برابر معاویه و شامیان از جمله این جنگ ها می باشند.

بسیاری از علمای اهل سنت، آن حضرت را در این جنگ ها، بر حق و دشمنانش را باغی و خروج کننده بر امام می خوانند، چنانچه قرطبی مالکی (د. ۶۷۱ هـ) (قرطبی، ۱۳۸۴: ۳۱۸/۱۶، ذیل آیه ۹ سوره حجرات) و نیز جوینی شافعی (د. ۷۳۰ هـ) (جوینی، بی تا: ۲۸۸/۱) هرگونه خروج بر امام را مصداق بغی از دیدگاه خود و دیگر علما شمرده اند. این دسته از علمای اهل سنت در تبیین حدیث پیامبر (ص) در خصوص کشته شدن عمّار به دست فته باغیه (احمد بن حنبل، ۱۴۲۱: ۲۵۷/۱۷، ح ۱۱۱۶۶، ۱۹۸/۳۶، ح ۲۱۸۷۳؛ بخاری، ۱۴۲۲: ۹۷/۱، ح ۴۴۷؛ بزار، ۲۰۰۹: ۲۵۶/۴، ح ۱۴۲۸؛ ابن حبان، ۱۴۱۴: ۵۵۳/۱۵-۵۵۷، ح ۷۰۷۷؛ نسائی، ۱۴۲۱: ۴۶۶/۷، ح ۸۴۹۰-۸۵۰۰؛ طبرانی، بی تا: ۱۶۸/۴، ح ۴۰۳۰ و ۴۶۱/۱۳، ح ۱۴۳۲۷؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۶۶۲/۲، ح ۲۶۵۲-۲۶۵۳)، این سخن حضرت را نشانی از نشانه های نبوت و فضیلتی برای علی (ع) و عمار دانسته و بر همین اساس «نواصب»



را از کسانی می‌دانند که آن حضرت را در جنگ‌هایش برحق ندانسته‌اند (ابن حجر، ۱۳۷۹: ۵۴۳/۱؛ و نیز نک. نووی، ۱۴۲۳: ۴۰/۱۸، ح ۲۹۱۵).<sup>۴</sup> در این میان تاریخ‌نگاران و گزارشگران عثمانی تلاش داشتند تا با جعل و یا جهت‌دهی به برخی از روایات منقول از پیامبر(ص)، حکومت آن حضرت را به سبب وقوع جنگ‌های داخلی، «دوران فتنه» معرفی نمایند. روایت حمّاد بن زید عثمانی نمونه‌ای از این دست روایات است، در این روایت از زبان پیامبر(ص) آمده که: زمانی که فتنه واقع شد پس هر کس شتری و یا گوسفندی دارد پی آن رود و هر کس زمین دارد خود را با آن مشغول سازد، در این میان مردی از آن حضرت پرسید: اگر به اجبار مرا بین یکی از دو گروه انداختند و مردی مرا با شمشیرش زد یا تیری آمد و مرا کشت چه سرنوشتی خواهم داشت؟ حضرت فرمود: آن مرد گناهان تو و خودش را بر دوش خواهد کشید و از اصحاب جهنم خواهد بود (ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹: ۴۴۶/۷، ح ۳۷۱۱۱؛ مسلم، بی‌تا: ۲۲۱۲/۴، ح ۲۸۸۷؛ بزار، ۲۰۰۹: ۱۲۷/۹، ح ۳۶۷۷). مشابه چنین روایتی از سوی ابوهریره عثمانی (احمد بن حنبل، ۱۴۲۱: ۴۸۱/۷، ح ۷۷۸۳؛ بخاری، ۱۴۲۲: ۵۱/۹، ح ۷۰۸۱-۷۰۸۲) نقل شده است. در روایتی دیگر عبدالله بن عمرو بن عاص به نقل از پیامبر(ص) از وقوع فتنه خبر داده و آتش را جایگاه کشته‌شدگان در این فتنه دانسته است (ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹: ۴۴۸/۷، ح ۳۷۱۱۹؛ احمد بن حنبل، ۱۴۲۱: ۴۲۹/۶-۴۳۱، ح ۶۸۹۰؛ ابوداؤد، ۱۴۱۹: ۳۲۲/۶). ترمذی این روایت را غریب دانسته و با نام بردن از «زیاد بن سیمین» در سلسله راویان این حدیث، به نقل از بخاری می‌افزاید که از زیاد غیر از این حدیثی سراغ ندارم (ترمذی، ۱۳۹۵: ۴۷۳/۴). در کنار روایات عثمانیان روایتی نیز از اسامه بن زید به نقل از پیامبر(ص) از فتنه بعد از آن حضرت خبر می‌دهد (بخاری، ۱۴۲۲: ۱۳۳/۳، ح ۲۴۶۷، باب الغرفة و العلیّه المشرفة و غیرالمشرفة و ۱۹۸/۴، ح ۳۵۹۷) این در حالی است که با توجه به متن روایت اسامه که در آن از عبارت «علی أطم من أطام المدینه» استفاده شده، به روشنی

۴. «وفی هذا الحدیث عَلم من اعلام النبوة و فضیلة ظاهرة لعلی و عمّار و ردُّ علی النواصب الزاعمین أن علیاً لم یکن مصیباً فی حروبه».

مشخص است که این سخن پیامبر (ص) از حادثه‌ای در مدینه همچون فتنه شورش علیه عثمان و کشتن وی خبر می‌دهد و نه جنگ‌های علی (ع) که همه آن‌ها در خارج از جزیره-العرب رخ داده‌است؛ از این روست که بخاری نیز از این حدیث در کتاب فضائل المدینه یاد کرده (بخاری، ۱۴۲۲: ۲۱/۳، ح ۱۸۷۸) و ابن سبّه این حدیث و احادیث شبیه به آن را از وقایع مربوط به شهر مدینه دانسته‌است (ابن سبّه، ۱۳۹۹: ۲۸۰/۱).

تاریخ‌نگاران عثمانی با هدف زیر سوال بردن حقانیت و مشروعیت دو جنگ جمل و صفین، از سویی تلاش داشتند تا حسن بن علی (ع) را از مخالفان جنگ‌های آن حضرت نشان دهند، از این رو با جعل برخی سخنان از زبان پیامبر (ص)، همانند حدیث: «إِنَّ ابْنَ هَذَا سَيِّدٌ وَ لَعَلَّ اللَّهَ سَيُصْلِحُ بِهِ بَيْنَ فِئَتَيْنِ عَظِيمَتَيْنِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ» این فرزند من آقاست و امید است که خداوند به زودی به دست او بین دو گروه بزرگ از مسلمانان صلح و سازش ایجاد کند (بخاری، ۱۴۲۲: ۲۶/۵، ح ۳۷۴۶)، در صدد القای این شبهه برآمدند. این روایت را بخاری از حسن بصری عثمانی و او از ابوبکره نَفِيع بن مسروح با تمایلات عثمانی (بخاری، ۱۴۲۲: ۸/۶، ح ۴۴۲۵، باب کتاب النبی الی کسری و قیصر) نقل کرده‌است؛ و از سوی دیگر این عثمانیان در گزارش‌های متناقضی از حضور اندک صحابه حاضر در سپاه امام خیر دادند، چنان‌چه شعبی در گزارشی در بیان تعداد صحابه حاضر در جمل قسم یاد کرد که در این نبرد تنها ۶ یا ۷ نفر از بدریون حضور داشتند (طبری، ۱۴۰۳: ۴۶۷/۳) و در گزارشی دیگر این تعداد را حاضران در سپاه امام دانسته‌است (ابن کثیر، ۱۹۸۸: ۲۶۱/۷). تناقضات در این گزارش شعبی زمانی ظهور بیشتری می‌یابد که در گزارش سومی تعداد صحابه حاضر در جمل را چهار نفر یعنی علی، عمار، طلحه و زبیر می‌داند (خلال، ۱۴۱۰: ۴۶۶/۲، ح ۷۲۹؛ ابن ابی شیبّه، ۱۴۰۹: ۵۳۷/۷، ح ۳۷۷۸۲؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ۲۶۷/۲). سیف بن عمر عثمانی نیز در گزارشی جانب‌دارانه در بیان میزان مشارکت صحابه در نبرد جمل آورده که: زمانی که علی (ع) در خطبه‌ای به انگیزش و بسیج مردم برای رویارویی با اهل جمل ناکثین پرداخت، تنها دو تن از انصار سخنان او را پذیرفتند (ابن حجر، ۱۴۱۵: ۲۴۱/۲). اینان در خصوص نبرد

صفین نیز همین رویه را برای تضعیف مشروعیت این نبرد درپیش گرفتند چنانچه شعبه بن - حجاج ضمن رد ادعای حضور ۷۰ بدری در نبرد صفین، از خزیمه بن ثابت به عنوان تنها صحابی حاضر در این نبرد یاد می کند (خلال، ۱۴۱۰: ۴۶۵/۲، ح ۷۲۶؛ احمد بن حنبل، ۱۴۲۲: ۲۸۷/۱، ح ۴۶۲؛ ابن کثیر، ۱۹۸۸: ۲۸۱/۷)، این در حالی است که ابن سعد از برخی صحابی حاضر در این نبرد غیر از خزیمه بن ثابت (ابن سعد، ۱۹۶۸: ۲۵۹/۳)، همچون عمار یاسر (ابن سعد، ۱۹۶۸: ۲۵۳/۳)، ابوالهیثم بن تیهان (ابن سعد، ۱۹۶۸: ۴۴۸/۳) و علقمه بن قیس (ابن سعد، ۱۹۶۸: ۹۱/۶) نام برده و خلیفه بن خیاط از ۲۴ صحابی حاضر (ذهبی، ۲۰۰۳: ۳۰۱/۲) یاد کرده است. ضمن آن که از کشته شدن نه صحابی (طبری، ۱۴۰۳: ۱۱/۵۰۸، ۵۱۱-۵۱۲) و به نقلی ۲۵ صحابی در این نبرد گزارش شده است (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۲۰/۵). حضور عمار، حسنین (علیهما السلام) و ابن عباس در صفین که مورد اتفاق همه منابع است، نیز همگی بر بطلان سخن شعبه گواه است.

#### رویکرد ابن تیمیه در خصوص تقابل علی (ع) و معاویه

ابن تیمیه در بیان شخصیت علی (ع)، حوادث دوران حکومت آن حضرت و تقابل ایشان با معاویه در موارد قابل توجهی برخلاف اصول و رویه عثمانیه رفتار کرده و مواضعی متفاوت از رویکرد آنان اتخاذ می کند، چنان که برخلاف دیدگاه مشهور عثمانیه، نقش امام را در جریان شورش علیه خلیفه سوم و قتل وی مردود می داند (ابن تیمیه، ۱۴۲۲: ۷۳/۳۵) و بر این اعتقاد است که امام در عدم تحویل قاتلان عثمان که در سپاه او حضور داشتند، ناتوان و بر این اساس بی تقصیر بود (ابن تیمیه، ۱۴۲۲: ۲۶۲/۶)، در نتیجه خلافت آن حضرت را مشروع (ابن تیمیه، ۱۴۱۶: ۱۸/۳۵) و منکران این امر را گمراه تر از درازگوشان می داند (ابن تیمیه، ۱۴۲۰: ۱۱۸؛ همو، ۱۴۱۶: ۱۵۳/۳ و ۴۷۹/۴).<sup>۵</sup>

ابن تیمیه در موارد متعددی از آن حضرت به عنوان شایسته ترین فرد برای خلافت بعد از

۵. «و من طعن فی خلافة أحد هؤلاء فهو أضلّ من الحمار».

عثمان بن عفان، نام می برد (ابن تیمیه، ۱۴۱۶: ۳۰۴/۲۵؛ همو، ۱۴۰۶: ۲۴۴/۸) و ایشان را در میان صحابه حاضر بعد از قتل عثمان، افضل می داند (ابن تیمیه، ۱۴۰۸: ۱۹۸/۱)، او هم-چنین شخصیتی همچون معاویه را معترف به شایستگی علی (ع) برای خلافت می داند (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۳۲۸/۶). ابن تیمیه هم چنین در تمجید از حکومت علی (ع)، از ایشان در کنار سه خلیفه اول با عبارت «أئمة المهدیین» یاد می کند (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۱۸/۶) و سیره آن حضرت را سیره علم، عدالت، هدایت، راستی و نیکی می خواند (ابن تیمیه، ۱۴۲۲: ۳۹۰/۵) و در موارد متعدد از آن حضرت با عنوان امیرالمؤمنین نام می برد (ابن تیمیه، ۱۴۲۲: ۲۷۹/۳، ۴۰۵؛ همو، ۱۴۰۶: ۳۰۶/۱، ۲۲۷/۴، ۴۳۹، ۵۳۹، ۱۱۶/۶). او به رغم تمامی تمجیدهایی که از عثمان بن عفان در آثار خود دارد، بر بخشش های نامتعارف او نسبت به خویشاوندان خویش، اعتراف دارد و علی (ع) را از این عیب مبرا می داند (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۲۳۰/۸).<sup>۶</sup> ابن تیمیه هم چنین ضمن تصریح به شهادت علی (ع)، در توصیف آن آورده که: خداوند با «شهادت» علی (ع) را گرامی داشته است (ابن تیمیه، ۱۴۲۲: ۳۰۲/۲۵) و از قاتل آن حضرت نیز با عبارت گمراه بدعت گذار یاد می کند (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۱۵۳/۷).<sup>۷</sup>

ابن تیمیه به رغم ادعای مشروعیت خلافت آن حضرت، در مواجهه با گزارش های تاریخی تقابل امام علی (ع) و معاویه در دو جنگ جمل و صفین دیدگاه هایی نزدیک به عثمانیه دارد. این نظرات از چند جهت قابل توجه است:

۱. او در راستای نامشروع دانستن دو جنگ جمل و صفین، جنگ با اهل جمل و صفین را فتنه می شمرد و از کراهت فضلاء صحابه و تابعان نسبت به آن خبر می دهد (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۱۵۳/۵). ابن تیمیه در اثبات ادعای فتنه بودن این جنگ ها، به سخنانی از پیامبر (ص) درباره وقوع فتنه استناد می کند که پیش از این به آن ها اشاره کردیم و حضور برخی از راویان عثمانی را در اسانید آن مورد بررسی قرار دادیم.

۶. «و علیّ لم یخصّ أحدا من أقاربه بعباء».

۷. «ضالاً مُبتدِعاً».

۲. ابن تیمیه بر این ادعاست که هیچ نصّ و خبری از سوی پیامبر (ص) در خصوص جنگ‌های جمل و صفین وجود نداشته و اکابر صحابه و تابعان بر این امر آگاه بودند از این رو ترک جنگ را افضل و چنین جنگی را فتنه می‌دانستند (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۵۲۳/۸). او بدون ارائه مستندی مدعی است که حتی صحابه حاضر در این جنگ‌ها هم بر فقدان هرگونه فرمانی از سوی پیامبر (ص) اشاره داشته‌اند (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۵۲۶/۸). ابن تیمیه بر همین اساس این دورخدا را نتیجه رأی و نظر شخصی امام<sup>۸</sup> و حضور برخی صحابه را نیز در این جنگ‌ها به اقرار خودشان، بر اساس دیدگاه شخصی‌شان و نه دستور و تکلیف الهی، می‌داند (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۵۲۶/۸)<sup>۹</sup> این در حالی است که در منابع اهل سنت به وفور به نقل از علی (ع) و برخی از صحابه، از فرمان رسول خدا (ص) در خصوص جنگ با ناکثین، قاسطین و مارقین یاد شده است (بلاذری، ۱۴۱۷: ۱۳۸/۲؛ طبرانی، بی تا: ۲۱۳/۸؛ دارقطنی، بی تا: ۱۴۸/۵، ح ۷۸۰؛ ابن عبد البر، ۱۴۱۲: ۱۱۱۷/۳؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۴۵۶/۴۳؛ ابن اثیر، ۱۴۱۵: ۱۰۲/۴، ح ۱۱۵۰-۱۱۵۲).<sup>۱۰</sup>

۳. او به دنبال نامشروع خواندن نبردهای علی (ع) و فتنه شمردن آن، در تلاش است تا حضور صحابه را در این دو نبرد به کمترین میزان تقلیل دهد از این رو به سخن شعبی و شعبه بن حجاج عثمانی اشاره می‌کند (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۲۳۶/۶-۲۳۷) که پیش از این بدان پرداخته شد.

۸. «و أما قتال الجمل و صفین فقد ذكره عليّ أنه لم يكن معه نصّ من النبي و إنما كان رأياً» (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۳۳۳/۶)؛ «و كان رأي عليّ في دماء أهل القبلة و نحوه من الأمور العظام... و معلوم أن الرأي إن لم يكن مذموماً فلا لوم عليّ من قال به و إن كان مذموماً فلا رأي أعظم ذمّاً من رأي أريقّ به دمّ ألوف مؤلفه من المسلمين و لم يحصل مصلحة للمسلمين» (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۱۱۲/۶).

۹. «و الذين قاتلوا من الصحابه لم يأت أحد منهم بحجة توجب القتال لا من كتاب و لا من سنة بل أقروا بأن قتالهم كان رأياً رأؤه كما أخبر بذلك عليّ رضي الله عنه عن نفسه».

۱۰. «انی امرت بقتال الناکثین و القاسطین».

۴. ابن تیمیه در همین راستا بهترین واکنش را از آن قاعدین می‌داند که در هیچ طرف جنگ وارد نشدند (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۵۷/۷؛ و نیز نک. همو، ۱۴۱۶: ۳/۳۴۹)،<sup>۱۱</sup> اما از اظهار پشیمانی عبدالله بن عمر در عدم همراهی با علی (ع) در این نبردها (دارقطنی، بی تا: ۴۲۹/۱۲، ح ۲۸۶؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۳/۶۴۳، ح ۶۳۶۰؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۳/۱۱۱۷)<sup>۱۲</sup> سخنی نمی‌گوید.

۵. او بدون توجه به گزارش‌های تاریخی، علی (ع) را شروع کننده نبرد صفین معرفی می‌کند (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۴/۴۵۹)<sup>۱۳</sup> و سپاه کوفه را بر جنگ و سپاه شام را بر ترک جنگ حریص دانسته است (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۴/۴۴۷)<sup>۱۴</sup> و بر این اساس نبرد امام را نامشروع می‌داند (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۸/۵۲۳) و این در حالی است که تاریخ‌نگاران به دستور علی (ع) به فرماندهان خویش از جمله مالک اشتر، مبنی بر دوری از جنگ و نیز بر نقش معاویه و شامیان به عنوان آغازگران نبرد صفین تصریح کرده‌اند (طبری، ۱۴۰۳: ۴/۵۶۷، خروج علی بن ابی طالب الی صفین؛ ابن اثیر، ۱۴۱۵: ۲/۶۳۳-۶۳۴، ذکر ابتدأ وقعه صفین؛ ابن خلدون، ۱۴۰۸: ۲/۶۲۶، أمر صفین؛ نک. ابن مزاحم، ۱۴۰۴: ۱۵۴).

۶. او در همین راستا عملکرد سپاهیان جمل و صفین را در جنگ با علی (ع) از روی اجتهاد و یا عصیان دانسته و بر این ادعاست که این امر مخلل ایمان و مانع بهشتی بودن آنان نخواهد شد (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۴/۳۹۳) و از این رو آنان را مسلمانان مؤمن خوانده (ابن تیمیه، ۱۴۱۶: ۳/۲۸۴) و در جهت تنقیص مقام و جایگاه علی (ع)، ایشان را کشنده گروه زیادی از

۱۱. «لکن الذین لم یقاتلوا معه کانوا أفضل، فإن سعد بن أبی وقاص لم یقاتل معه و لم یکن قد بقی من الصحابه بعد علی أفضل منه و کذلک محمد بن مسلمة من الأنصار».

۱۲. «ما آسی علی شیء إلا انی لم اقاتل الفئه الباغیه مع علی».

۱۳. «علی بدأ بالقتال أصحاب معاویه و لم یکنوا یقاتلونہ و لکن إمتنعوا من بیعتہ».

۱۴. «اقتتل العسکران عسکر علی و معاویه بصفین و لم یکن معاویه ممن یختار الحرب ابتداء بل کان من أشد الناس حرصا علی أن لا یكون قتال و کان غیره أحرص علی القتال».

مسلمانان دانسته است (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۳۵۶/۶). مواضع ابن تیمیه در خصوص جنگ‌های علی(ع) با سپاه جمل و صفین و تلاش وی برای تخطئه آن حضرت و نه سران جمل و صفین در این جنگ‌ها، در حالی است که وی به استناد سخنانی از پیامبر(ص) تبعیت از حاکم حتی اگر جائز باشد، را لازم و مخالفت با او را موجب فساد می‌داند (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۵۳۱/۴) و معتقد به امامت هر کسی است که با بیعت مسلمانان، قدرت و حکومت را در دست گرفته است (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۵۲۷/۱). چنان‌چه در بررسی حوادث عاشورا نیز با اعتقاد به لزوم تبعیت از حاکم جائز، علت مخالفت اطرافیان حسین(ع) با حرکت ایشان به سوی کوفه را برگرفته از این امر می‌داند (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۵۳۰/۴).

۷. ابن تیمیه با هدف حمایت از معاویه در نبرد صفین، حدیث پیامبر(ص) درباره عمار را با عبارتی چون: «و أما حدیث الذی روی عن النبی أنه قال لعَمَّار: تقتلک الفئة الباغیة، فبعضهم ضَعْفَه و بعضهم تأوَّله» (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۴۰۵/۴) به نوعی تضعیف می‌کند و این در حالی است که این روایت در بسیاری از منابع حدیثی معتبر اهل سنت نقل گردیده است. (احمد بن حنبل، ۱۴۲۱: ۲۵۷/۱۷، ح ۱۱۱۶۶ و ۱۹۸/۳۶، ح ۲۱۸۷۳؛ بخاری، ۱۴۲۲: ۹۷/۱، ح ۴۴۷؛ بزار، ۲۰۰۹: ۲۵۶/۴، ح ۱۴۲۸؛ نسائی، ۱۴۲۱: ۴۶۶/۷، ح ۸۴۹۰-۸۵۰۰؛ ابن حبان، ۱۴۱۴: ۵۵۳/۱۵-۵۵۷، ح ۷۰۷۷؛ طبرانی، بی تا: ۱۶۸/۴، ح ۴۰۳۰ و ۴۶۱/۱۳، ح ۱۴۳۲۷).

۸. مخالفت حسن(ع) با جنگ‌های پدرش؛ ابن تیمیه تنها با بهره‌گیری از دو روایت ضعیف راویان عثمانی و بدون ارائه هرگونه مستند تاریخی، تلاش می‌کند تا امام حسن را در برابر پدر و برادرش حسین(ع) قرار داده (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۴۰/۴، ۵۳۵) و آن حضرت را مخالف با جنگ‌های علی(ع) نشان دهد (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۱۴۵/۸؛ ابن تیمیه، ۱۴۲۲: ۸۳/۳)، ابتدا روایتی که بخاری آن را از حسن بصری به نقل از ابوبکر عثمانی آورده و پیش از این بدان اشاره شد و دوم روایتی که تنها بخاری آن را نقل کرده و در آن آمده است که پیامبر(ص) در حق حسن(ع) و اسامه بن زید از قاعدین دوران حکومت علی(ع)، فرموده:

«اللهم إني أحبُّهما فأحبِّهما وأحبَّ من يُحبِّهما» (بخاری، ۱۴۲۲: ۲۴/۵، ح ۳۷۳۵، ۲۶/۵، ح ۳۷۴۷)، ابن تیمیه بر پایه این روایت سبب محبوبیت حسن (ع) و اسامه را طبق روایت پیامبر (ص)، صلح طلبی آنان دانسته است (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۴۰/۴)، این در حالی است که منابع مختلف اهل سنت این سخن پیامبر (ص) و سخنان مشابه آن را در شأن حسنین و نه حسن (ع) و اسامه می دانند (ابوداود، ۱۴۱۹: ۲۷۷/۴، ح ۲۶۶۹؛ صنعانی، ۱۴۰۳: ۴۷۱/۳، ح ۶۳۶۹؛ احمد بن حنبل، ۱۴۲۱: ۵۱۹/۷، ح ۷۸۶۳؛ ترمذی، ۱۳۹۵: ۶۵۶/۵، ح ۳۷۶۹، ۶۱۱، ح ۳۷۸۲؛ بزار، ۲۰۰۹: ۲۸۶/۳، ح ۱۰۷۸، ۳۱/۷، ۵۰، ح ۲۵۸۰، ۲۵۹۵، ۲۵۲/۸، ح ۳۳۱۷، ۱۴۱/۱۷، ح ۹۷۳۶)، ضمن آن که گزارش های تاریخی برخلاف دیدگاه ابن تیمیه، از نقش فعال حسن (ع) در دو جنگ جمل و صفین حکایت دارند (بخاری، ۱۴۲۲: ۵۵/۹، ح ۷۱۰۰؛ خلیفه بن خیاط، ۱۳۹۷: ۱۸۴/۱، ذیل معركة الجمل؛ طبری، ۱۴۰۳: ۵۰۰/۴، ذیل حوادث سنه ست و ثلاثین).

### نتیجه

مقایسه آراء و رویکرد ابن تیمیه با آراء و رویکرد تاریخ نگاران عثمانیه در نقل گزارش های مربوط به تقابل علی (ع) و معاویه این نتایج را در برداشت:

(۱) تباین و تعارض با عثمانیه: تأکید ابن تیمیه بر برائت امام علی (ع) در قتل عثمان بن عفان و ناتوانی آن حضرت \_ و نه کوتاهی ایشان \_ در تسلیم قاتلان عثمان، مشروعیت خلافت و ولایت امام و تحقیر طعن زندگان به خلافت آن حضرت، برتر دانستن آن حضرت بر معاویه به عنوان شخصیت محبوب عثمانیه، سرزنش عثمانیه و تعبیر از شیعه عثمان به عنوان بدعت گذاران ظالم از جمله مواضعی است که رویکرد ابن تیمیه را از عثمانیه و اصول تفکر حاکم بر آنان دور می سازد.

(۲) همسویی با عثمانیه: ابن تیمیه به رغم اتخاذ مواضع متعارض با اندیشه عثمانیه، در برخورد با تعداد قابل توجهی از گزارش های تاریخی، همسو با تاریخ نگاران عثمانی رفتار کرده



و به شیوه‌های مختلف به تأیید، ردّ و یا تضعیف آن‌ها پرداخته‌است، برخی از این شیوه‌ها عبارتند از: ۱. اعتماد به روایات ساختگی محدثان عثمانی همچون روایت حسن بصری و ابوبکره از پیامبر (ص) در خصوص نقش صلح‌جویانه امام حسن (ع) برای اثبات مخالفت ایشان با پدرش در انجام دو جنگ جمل و صفین، ۲. بهره‌گیری از گزارش‌های جعلی تاریخ-نگاران عثمانیه همچون گزارش شعبی و شعبه در خصوص تعداد صحابه حاضر در دو نبرد جمل و صفین، ۳. عدم توجه به برخی از روایات موجود در منابع حدیثی مانند انکار وجود حدیثی از پیامبر در مورد جنگ‌های علی (ع)، او بر این اساس این جنگ‌ها را نتیجه رأی و نظر شخصی علی (ع) و یارانش می‌دانست، ۴. تضعیف و یا ردّ برخی روایات موجود در منابع معتبر حدیثی اهل سنت به‌رغم التزام ابن تیمیه به احادیث، همچون روایت پیامبر (ص) در خصوص کشته شدن عمار و نیز روایات متعدد در خصوص مارقین، قاسطین و ناکثین... ۵. برخورد گزینشی با گزارش‌های تاریخی چنانچه با هدف اثبات نقش علی (ع) به عنوان آغازگر جنگ صفین و جمل، به گزارش‌های منابع متقدم تاریخی درباره دستور آن حضرت به فرماندهان خویش در خودداری از آغاز جنگ توجهی نمی‌نماید.

## کتابنامه

- ابن ابی الحدید، عزالدین عبدالحمید (١٤٠٤). شرح نهج البلاغه. قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشي.
- ابن أبي حاتم، عبدالرحمن بن محمد (١٤١٩). تفسير القرآن العظيم. به كوشش اسعد محمد الطيب. رياض: مكتبة نزار مصطفى الباز.
- ابن ابی شیبہ، ابوبكر (١٤٠٩). المصنف في الاحاديث و الآثار. به كوشش كمال يوسف الحوت. رياض: مكتبة الرشد.
- ابن ابی عاصم شيباني، ابوبكر (١٤٠٠). السنه. به كوشش محمد ناصر الباني. بيروت: المكتب الاسلامي.
- ابن اثير جزري، عزالدین أبي الحسن (١٤١٥). أسد الغابه في معرفة الصحابه. به كوشش على محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود. بيروت: دارالكتب العلمية.
- ابن تيميه، تقى الدين (١٤٠٨). الفتاوى الكبرى. بيروت: دارالكتب العلمية.
- همو (١٤١٦). مجموعه الفتاوى. به كوشش عبدالرحمن بن محمد. مدينه: مجمع الملك فهد.
- همو (١٤٢٠). العقيدة الواسطيه. به كوشش ابو محمد اشرف. رياض: اضواء السلف.
- همو (١٤٢٢). جامع المسائل. به كوشش محمد عزيز شمس. مکه: دار عالم الفوائد.
- همو (١٤٠٦). منهاج السنة النبويه. به كوشش محمد رشاد سالم. رياض: جامعة الامام محمد بن سعود الاسلاميه.
- ابن جوزي، جمال الدين (١٤١٢). المنتظم في تاريخ الملوك و الامم. به كوشش محمد عبدالقادر عطا، و مصطفى عبدالقادر. بيروت: دارالكتب العلمية.
- همو (١٩٦٦). الموضوعات. به كوشش عبدالرحمان محمد عثمان. مدينه: المكتبة السلفية.
- ابن جتّان، محمد (١٤١٤). صحيح. به كوشش شعيب الأرنؤوط. بيروت: مؤسسة الرسالة.
- ابن حجر عسقلاني، احمد بن علي (١٣٧٩). فتح الباري. به كوشش محب الدين الخطيب. بيروت: دارالمعرفة.
- ابن جوزي، جمال الدين (١٤١٥). الإصابه في تمييز الصحابه. به كوشش على محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، بيروت: دارالكتب العلمية.
- همو (٢٠٠٢). الميزان. به كوشش عبدالفتاح ابوغده. دارالبشائر الاسلاميه.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (١٤٠٨). تاريخ، به كوشش خليل شحاده. بيروت: دارالفكر.
- ابن سعد، ابو عبدالله (١٩٦٨). الطبقات الكبرى. به كوشش احسان عباس. بيروت: دار صادر.
- ابن شيبه، ابوزيد عمر (١٣٩٩)، تاريخ المدينه. به كوشش فهيم محمد شلتوت. جدّه.

- ابن عبدالبر، ابو عمر (۱۴۱۲). الاستیعاب فی معرفه الاصحاب. به کوشش علی محمد بجاوی. بیروت: دارالجمیل.
- ابن عساکر، ابوالقاسم (۱۴۱۵). تاریخ مدینه دمشق. به کوشش عمرو بن غرامه العمروی. بیروت: دارالفکر للطباعه و النشر و التوزیع.
- ابن عماد حنبلی، ابوالفلاح (۱۴۰۶). شذرات الذهب. به کوشش محمود الارناؤوط. دمشق و بیروت: دار ابن کثیر.
- ابن کثیر، ابوالفداء (۱۹۸۸). البدايه و النهايه. به کوشش علی شیری. بیروت: دار احیاء التراث.
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن الحسین (۱۴۱۵). الاغانی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابوداؤود طیالسی، سلیمان بن داؤود (۱۴۱۹). المسند. به کوشش محمد بن عبدالمحسن التركي. مصر: دار هجر.
- احمد بن حنبل، ابو عبدالله (۱۴۲۲). العلل و معرفه الرجال. به کوشش وصی الله بن محمد. ریاض: دارالخانیه.
- همو (۱۴۲۱). مسند. به کوشش شعيب الأرنؤوط، و عادل مرشد. بیروت: مؤسسة الرساله.
- بخاری، محمد اسماعیل (۱۴۲۲). الجامع الصحیح. به کوشش محمد زهیر بن ناصر، دارطوق النجاة. بزار، ابوبکر احمد (۲۰۰۹). مسند. به کوشش محفوظ الرحمن زین الله، و عادل بن سعد، و صبری عبدالخالق. مدینه: مکتبه العلوم و الحکم.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷). أنساب الاشراف. به کوشش سهیل زکار و ریاض زرکلی. بیروت: دارالفکر.
- ترمذی، ابو عیسی (۱۳۹۵). سنن. به کوشش احمد محمد شاکر و محمد فواد عبدالباقی. قاهره: شركة مکتبه و مطبعة مصطفى البانی.
- جوینی، ابراهیم (بی تا). فرائد السمطين فی فضائل المرتضى و البتول و السبطین و الائمه من ذریتهم. به کوشش محمدباقر محمودی. قم: انتشارات محمودی.
- حاکم نیشابوری، ابو عبدالله (۱۴۱۱). المستدرک علی الصحیحین. به کوشش مصطفى عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- حسینی میلانی، سیدعلی (۱۴۲۸). دراسات فی منهاج السنه لمعرفه ابن تیمیه. قم: مرکز الحقائق الإسلامیه.
- خراشی، سلیمان بن صالح (۱۴۱۹). ابن تیمیه لیس ناصبیا. ریاض: دارالوطن.

- خلال، ابوبکر احمد (۱۴۱۰). السنه. تحقیق عطیه الزهرانی. ریاض: دارالرایه.
- خلیفه بن خیاط، ابوعمر و (۱۳۹۷). تاریخ. به کوشش اکرم ضیاء العمری. دمشق و بیروت: دارالقلم و مؤسسة الرساله.
- خیرخواه علوی، سیدعلی (۱۳۸۹). مقایسه تاریخ نگاری عثمانی و شیعی در حوادث دوران حکومت امام علی (ع). پایان نامه کارشناسی ارشد. قم: دانشگاه باقرالعلوم (ع).
- همو (۱۳۹۹). علی (ع) و خلافت وی از نگاه مورخان مکتب تاریخ نگاری عثمانیه. پژوهش نامه تاریخ تشیع، ۴(۲)، ۵۱-۷۳.
- همو (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی رویکرد عثمانیه و ابن تیمیه در حوادث تاریخی صدر اسلام. رساله دکتری. تهران: دانشگاه بین المللی مذاهب اسلامی.
- دارقطنی، ابوالحسن علی بن عمر (بی تا). العلل الواردة فی الاحادیث النبویه. به کوشش محفوظ رحمن زین الله. ریاض: دارطیبه.
- ذهبی، شمس الدین (۱۴۰۵). سیر اعلام النبلاء. به کوشش شعیب الارناؤوط، بیروت: مؤسسة الرساله.
- همو (۲۰۰۳). تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، به کوشش بشار عواد معروف. دارالغرب الاسلامی.
- رجبی، حسین، و پیام عبدالملکی (۱۳۹۲). ابن تیمیه و خلافت حضرت علی (ع). کلام اسلامی، (۸۷)، ۴۳-۵۸.
- سبحانی، جعفر (۱۳۹۰). ابن تیمیه فکرا و منهجا. قم: مؤسسة الإمام الصادق.
- صنعانی، عبدالرزاق (۱۴۰۳). المصنف. به کوشش حبیب الرحمن الاعظمی. حیدرآباد: المجلس العلمی.
- طبرانی، ابوالقاسم (بی تا). المعجم الکبیر. به کوشش حمدی بن عبدالمجید السلفی. قاهره: مکتبه ابن تیمیه.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۰۳). تاریخ الرسل و الملوک. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- عبدالحمید، صائب (۱۴۲۶). ابن تیمیه حیات و عقائده. قم: مؤسسه دائره المعارف الفقه الاسلامی.
- عجلی، ابوالحسن احمد بن عبدالله (۱۴۰۵). معرفه الثقات، به کوشش عبدالعلیم البستوی، مدینه: مکتبه الدار.
- قاسم أف، الیاس (۱۳۹۱). ابن تیمیه امام سلفی ها. قم: مجمع جهانی اهل بیت (ع).
- قرطبی، ابوعبدالله (۱۳۸۴). الجامع لأحكام القرآن. به کوشش احمد البردونی و ابراهیم اطفیش، قاهره:

دارالكتب المصرية.

قضيبي، عثمان الخميس (د.تا). ثناء ابن تيميه على امير المؤمنين و اهل البيت. كويت: مؤسسة الآل و الصحب.

مروحي طبسي، محمد محسن (١٣٩٨). مناسبات فكري عثمانيه و ابن تيميه در مواجهه با فضائل اهل - بيت (عليهم السلام). قم: دارالاعلام لمدرسة اهل البيت (ع).

مسلم، ابوالحسن (د.تا). الجامع الصحيح. به كوشش محمد فؤاد عبدالباقي. بيروت: داراحياء التراث العربي.

منقري، نصر بن مزاحم (١٤٠٤). وقعه صفين. به كوشش عبدالسلام محمد هارون. قم: مؤسسه آية الله المرعشي النجفي.

ناشي الاكبر، عبدالله بن محمد (١٩٧١). مسائل الامامه. به كوشش فان اس، بيروت.

نسائي، احمد (١٤٢١). السنن الكبرى. به كوشش حسن عبدالمنعم الشلبي. بيروت: مؤسسة الرسالة.

نووي، ابوزكريا (١٤٢٣). نهاية الارب في فنون الادب. قاهره: دارالكتب و الوثائق القومية.

هرزري حبشي، عبدالله بن محمد (١٤٢٩). المقالات الستيه في كشف ضلالات احمد بن تيميه. بيروت: دار المشاريع للطباعة و النشر و التوزيع.

ياقوت حموي، شهاب الدين (١٩٩٥). معجم البلدان. بيروت: دارصادر.